



سازماندهی در علم کلام با استفاده از برهان نظم

بازمحمد محمدی^۱

دریافت: ۱۴۰۰/۷/۲

پذیرش: ۱۴۰۰/۸/۹

چکیده

برهان نظم در کلام اسلامی به عنوان یکی از راه‌های اثبات وجود خدا سابقه دیرینه‌ای دارد. از مهم‌ترین دلایل سابقه داشتن این برهان، عمومیت نظم و سادگی برهان نظم دانسته شده است. در این مقاله برهان نظم از نظر سه متفکر اسلامی معاصر، جوادی آملی، شهید مطهری و سبحانی، با این هدف مورد بحث قرار گرفته است که سازمان‌دهی در علم کلام با استفاده از برهان نظم، مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی، انجام شده است و ابزار گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای هست یعنی مطالب استفاده شده در این تحقیق، از کتاب‌های کلامی و مدیریتی و برخی مقالات علمی پژوهشی است و به این نتیجه رسیدیم که جایگاه سازمان‌دهی اصلاً در علم کلام است؛ زیرا در علم کلام یکی از براهین اثبات خدا، برهان نظم است و در برهان نظم دو اصل از اصول اساسی سازمان‌دهی در علم مدیریت که تقسیم کار و هماهنگی باشد به صورت واضح و آشکار تبیین شده است. بر اساس این برهان تمام عالم هستی از سازمان‌دهی زیبا، نظم، هماهنگی و تقسیم کار دقیقی برخوردار است که هر جزئی از اجزاء این عالم، کار مخصوص به خودش را انجام می‌دهند و اگر این سازمان‌دهی به هم نخورد و هر جزئی از اجزاء این عالم کار خودش را انجام ندهند نظام عالم هستی به هم می‌خورد.

واژه‌گان کلیدی: سازمان‌دهی، علم کلام، برهان، برهان نظم

^۱ - دانش‌پژوه دکتری قرآن و مدیریت

مقدمه

بدون تردید، اعتقاد به قادر مطلق که جهان را آفریده است و تأمل در باب هستی و خلقت این جهان، از مهم‌ترین مسائلی است که سابقه دیرینه در علم کلام دارد و دانشمندان علم کلام کوشیده‌اند تا براهین متعددی را برای اثبات وجود خدای تبارک و تعالی اقامه کند تا شاید از این رهگذر بتواند نیازهای فطری خویش را در رفع جهل، از یکی از اساسی‌ترین امور زندگی برطرف سازد. در این میان، برهان نظم از ساده‌ترین و عمومی‌ترین و درعین حال از کهن‌ترین براهینی است که برای اثبات وجود خدا اقامه شده است و متکلمان اهمیت بسیاری برای این برهان قائل شده‌اند و از آن به‌عنوان یکی از براهین محکم برای اثبات خدا استفاده کرده‌اند.

بر اساس این برهان، در عالم هستی قوانین و نظم دقیقی حاکم است و هر نظم‌حاکمی از ناظم باشعور و اراده و حکیمی است که این عالم را تدبیر و اداره می‌کند پس این عالم دارای ناظم حکیم و بافهم و شعور است که مدبر این جهان و عالم هستی است. نظم حاکم در این جهان همان سازمان‌دهی و هماهنگی است که بین تمام اجزاء این عالم برقرار است و اگر روزی این سازمان‌دهی و تقسیم‌کاری که در سایه آن وجود دارد و هر جزئی از اجزاء این عالم کار مخصوص به خودش را انجام می‌دهند به هم بخورد نظام عالم به هم می‌ریزد.

سازمان‌دهی و طراحی سازمان در شمار وظایف بسیار مهم مدیران قرار می‌گیرد زیرا طراحی سازمان، میزان انعطاف‌پذیری سازمان در مقابل تحولات محیطی را معین می‌سازد و سایر وظایف مدیریت را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. مثلاً شیوه‌های ایجاد هماهنگی، روش‌های کنترل و فنون برنامه‌ریزی و نحوه به‌کارگیری منابع و امکانات باید با ساختار سازمان متناسب باشند. (رضائیان، ۱۳۹۰: ۳۰۲)

در این تحقیق سازمان‌دهی در علم کلام با استفاده از برهان نظم مورد بررسی قرار می‌گیرد و اینکه آیا می‌شود با توجه به برهان نظم که یکی از مباحث بسیار مهم کلامی و از ادله اثبات وجود خداوند تبارک و تعالی است، سازمان‌دهی را در سازمان‌های اجتماعی مورد تحلیل و بررسی قرارداد یا نه؟

مفاهیم

تعریف سازمان‌دهی

الف) سازمان‌دهی در اصطلاح: در مدیریت، سازمان‌دهی را فرایندی می‌دانند که طی آن با تقسیم کار میان افراد و گروه‌های کاری و ایجاد هماهنگی میان آن‌ها، برای کسب اهداف تلاش می‌شود. با توجه به این تعریف سازمان‌دهی مشتمل بر سه مرحله ذیل است:

۱. طراحی و تعریف کارها و فعالیت‌های ضروری.
 ۲. دسته‌بندی فعالیت‌ها برحسب مشاغل و منصب‌های سازمانی تعریف‌شده.
 ۳. برقراری رابطه میان مشاغل و منصب‌های سازمانی، برای کسب اهداف مشترک.
- درواقع سازمان‌دهی فرایندی است که با سایر فرایندهای مدیریت تعامل دارد و نقش مهمی در کسب هدف‌های سازمان ایفا می‌کند. (رضائیان، ۱۳۹۰: ۲۷۳)

ب) سازمان‌دهی مجموعه‌ای از فعالیت‌ها برای رسیدن به هدف‌هایی است که وظایف هر یک از مدیران و محدوده اختیاراتی که برای سرپرستی نیاز دارند، مشخص می‌کند و نیز بسترهای موردنیاز برای هماهنگی افقی و عمودی را در ساختار سازمانی برای آن‌ها معین می‌سازد. (پیروز و همکاران، ۱۳۸۶: ۹۰)

د) سازمان‌دهی عبارت است از تعیین فعالیت‌ها و تقسیم آن‌ها به صورت افقی و عمودی میان اعضای سازمان و ایجاد هماهنگی میان آن‌ها برای دستیابی به اهداف. (وائقی، ۱۳۹۳: ۱۱۰)

تعریف نظم

نظم در لغت

۱- نَطَّمْتُ اللَّوْلُؤَ، أَيْ جَمَعْتُهُ فِي السِّلْكِ وَ النَّظَامِ: الْخَيْطُ الَّذِي يُنْظَمُ بِهِ اللَّوْلُؤُ وَ نَظَمٌ مِنْ لَوْلُؤٍ وَ هُوَ فِي الْأَصْلِ مَصْدَرٌ؛ یعنی دانه‌های مروارید را جمع کردم از طریق رشته‌ای خاصی و نظام نیز همان نخ است که دانه‌های مروارید را به آن به نظم درمی‌آورد و نظم در اصل مصدر است و به معنای جمع کردن و به نظم درآوردن دانه‌های مروارید است (جوهری، ۱۴۱۰: ۲۰۴۱)

۲- النَّظْمُ: التَّأْلِيفُ وَ نَظَمْتُ اللَّوْلُؤَ أَيْ جَمَعْتُهُ فِي السِّلْكِ وَ نَظَمَ الْأَمْرَ عَلَى الْمَثَلِ وَ كُلُّ شَيْءٍ قَرَّنَتْهُ بِآخَرٍ أَوْ ضَمَمْتَهُ بَعْضَهُ إِلَى بَعْضٍ؛ نظم در لغت به معنای تألیف و ترکیب کردن است. «و نظمت اللؤلؤ ای جمعته فی سلک؛ یعنی مرواریدها مرتب‌شده‌اند و من آن را در طریق (مثل نخ)



جمع کردم و موضوع طبق مثال مرتب شد و هر شیئی را با شیئی دیگر مقارن قرار دادن و ضمیمه کردن بعضی از اشیاء به بعضی دیگر. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۵۷۸)

۳- تارج العروس نظم را این گونه تعریف کرده‌اند: «التَّزْمُ: التَّأْلِيفُ وَ صَمُّ شَيْءٍ إِلَى شَيْءٍ آخَرَ وَ كُلُّ شَيْءٍ قَرَّنَتْهُ بِآخَرَ فَقَدْ نَظَّمْتَهُ.» (واسطی زبیدی، ۱۴۱۴: ۶۸۹)

تعریف اصطلاحی نظم

آیت‌الله جوادی آملی در مقدمه کتاب براهین اثبات خدا، در تعریف نظم چنین می‌فرماید: نظم عبارت از ربط و جودی و ناگسستگی بین دو یا چند چیز است (جوادی آملی، ۱۳۷۵: ۳۲) اما ایشان در بحث برهان نظم، تعریف که از نظم دارد این گونه است: نظم، ناظر به هماهنگی بین چند عنصر یا عضو است و هماهنگی که در مقابل هرج و مرج، مفهومی آشکار دارد، همواره بین چند امر در ارتباط با یک هدف و غرض است. (جوادی آملی، ۱۳۷۵: ۲۲۷)

۲- نظم کیفیت و نحوه هستی اجزای یک مجموعه است، به گونه‌ای که هماهنگی آن‌ها بتواند هدف از آن مجموعه را تأمین کند. (غروی‌ان، ۱۳۷۲: ۸۳)

۳-النظم عبارة عن الترابط و التعارف بين اجزاء مجموعة واحدة لتحقيق هدف معين بحيث يكون كل جزء في هذه المجموعة مكملًا و بحيث يكون فقدان كل جزء موجبًا لأن تفقد المجموعة الاثر المترتب عليها و الهدف المتوخى منها؛ یعنی نظم يك نوع رابطه هماهنگ میان اجزای يك مجموعه برای تحقق یافتن هدف مشخصی است، به گونه‌ای که هر جزئی از اجزای مجموعه، مکمل دیگری بوده و فقدان هر يك سبب می‌شود که مجموعه هدف خاص و اثر مطلوب را از دست بدهد. (سبحانی، ۱۴۰۵: ۱۵۷)

بیان مسئله

برهان نظم در علم کلام برای اثبات وجود خداوند تبارک و تعالی به کار می‌رود و اینکه نظم و هماهنگی موجود در عالم هستی به‌عنوان یک ابر سیستم و سیستم کلان، صدقه و تصادفاً به وجود نیامده است بلکه این نظم بر وجود یک ناظم حکیم، دارای اراده و فهم و شعور دلالت می‌کند و آن ناظم خداوند تبارک و تعالی است؛ زیرا نظم عبارة اخرى همان سازمان‌دهی است و معنای سازمان‌دهی این است که در این جهان هستی تقسیم کار و هماهنگی زیبای وجود دارد و هر جزء از اجزاء عالم هستی کاری مخصوص به خودش را انجام می‌دهند و با هماهنگی کامل به سمت هدف



واحدی در حرکت اند. در این تحقیق می‌خواهیم، سازمان‌دهی در سازمان و علم مدیریت را از برهان نظم استفاده کنیم که عنوان این تحقیق هم سازمان‌دهی در علم کلام با استفاده از برهان نظم است؛ یعنی همان‌طوری که در عالم هستی نظم و هماهنگی خاصی حکم‌فرما است مانند آمدن شب و روز، ماه و خورشید و ستارگان، زمستان و تابستان و بهار و پاییز و... و هرکدام هم کار خاصی خودش را انجام می‌دهند. در سازمان نیز سازمان‌دهی که از مه‌ترین وظایف مدیران هست، باید دارای نظم و هماهنگی خاصی باشد یعنی مدیران باید طوری سازمان‌دهی و تقسیم‌کار انجام بدهند و افراد را با توجه به توانایی‌ها و شایستگی‌های که دارند به کار به گمارند تا هم کارایی سازمان بهبود یابد و هم با همکاری و هماهنگی میان اعضای سازمان، مجموعه سازمان به سمت هدف واحدی در حرکت باشند و از این طریق اهداف سازمان تحقق پیدا بکند.

پیشینه تحقیق

۱- برهان نظم

الف. در غرب

درباره پیشینه برهان نظم در مغرب زمین می‌توان گفت: هرچند در یونان باستان، برهان نظم دلیل سازمان‌یافته و منقحی نبود، اما در لابه‌لای سخنان حکمای این عصر، اعتقاد به ارتباط و تناسب نظم حاکم بر طبیعت با منشأ ذی‌شعور و هدف‌دار و در مقابل اندیشه عدم وجود مبدأ در عالم، به استناد وجود بی‌نظمی‌ها و شرور، به چشم می‌خورد.

نگاه غایت‌انگارانه سقراط به جهان طبیعت، نظام‌مندی عالم طبیعت توسط عقول و مثل در فلسفه افلاطون، اثبات هدف غایی برای طبیعت و هدف‌مندی همه حرکت‌ها در حکمت ارسطویی، اعتقاد به حاکم بودن نغمه‌های هماهنگ موسیقی بر عالم و نظام‌مندی عالم بر مبنای عدد و ریاضی در اندیشه فیثاغوریان و در مقابل، انکار غایت‌مندی و نظم‌انگاری و اعتقاد به تناقض در مفهوم «خدا» در سفسطه‌های اپیکورس، نمونه‌هایی از دل‌مشغولی اندیشمندان و درنهایت، پیشینه یونانی این برهان می‌باشند. (تراب پور، ۱۳۸۴: ۵۴)

در دوره‌های بعد، اعتقاد به مبدأ لایزال الهی و راه‌یابی به حکمت و حیات او از مشاهده ساختار شگفت‌انگیز طبیعت در اعترافات آگوستین و ترمیم و تنقیح برهان «نظم» و اعتقاد به جایگاه رفیع

الهیات طبیعی (برهان نظم و...) پس از الهیات و حیاتی از سوی آکوئیناس حاکی از ترقی و تعالی جایگاه این برهان در قرون وسطا می‌باشد. (باربور، ۱۳۷۹: ۲۳) اعترافات دانشمندانی همچون گالیله، رابرت بویل، جان ری و نیوتن به اعتبار دلایل طبیعی (مثل برهان «نظم») بر اثبات مبدأ هستی، علی‌رغم انتقادهای هیوم و کانت بر برهان نظم - موجب افزایش مقبولیت عام و گسترده این برهان در سده‌های آغازین عصر نوگرایی گردید. (باربور، ۱۳۷۹: ۳۶-۵۷)

ارائه نمونه‌های فراوان عینی از نظم و تدبیر در عالم طبیعت توسط ویلیام پیلی و تلاش‌های برخی دانشمندان در رسایل بریچ واتر در آغاز سده نوزدهم، نوید شروع يك نهضت و تدوین کتب علمی را برای اثبات نظام‌مندی عالم طبیعت می‌داد که نظریه جدید داروین در چگونگی پیدایش انواع ضربه محکمی بر پیکره الهیات طبیعی و برهان نظم وارد کرد. (باربور، ۱۳۷۹: ۱۰۴-۱۱۱)

اما الهیات طبیعی در سده بیستم، با وجود خرده‌گیری‌ها و انتقادهای اشخاصی همانند «بارتینک» در کتاب ساعت‌ساز کور (و ایان باربور) در کتاب علم و دین (اعتبار خود را همچنان حفظ کرد. کتاب‌های راز آفرینش انسان اثر «کرسی مورسین»، سرنوشت انسان اثر «لکنت دونوئی» و اثبات وجود خدا اثر «جان کلودر موشا» با استفاده از دستاوردهای علوم تجربی بر طراوت و استحکام این برهان در عصر علم‌زدگی و دین‌گریزی می‌افزایند. به‌طور خلاصه، برهان «نظم» با وجود فراز و نشیب‌های خود در غرب، همواره نزد عده قابل‌توجهی از اندیشمندان موحد، برهان قابل‌اتکایی بوده است. (تراب پور، ۱۳۸۴: ۵۵)

ب. در عالم اسلام

هرچند تفکر در طبیعت و راه‌یابی از مخلوق به خداوند و اوصاف او جزء تعالیم اسلامی تلقی می‌شود و این شیوه استدلال جایگاه خاصی در قرآن کریم و دیگر متون دینی ما دارد؛ با این حال، برهان نظم تا حدی مورد بی‌مهری بسیاری از اندیشمندان مسلمان واقع‌شده و تلاش چندانی در جهت تحکیم آن صورت نگرفته است و آن را به‌عنوان يك دلیل عقلي و مستدل بیان نکرده‌اند. از این‌رو، در بخش عمده‌ای از متون فلسفی و کلامی ما اثری از این برهان نیست. اگر فلاسفه اسلامی را در این کم‌توجهی معذور بدانیم بی‌مهری متکلمان مسلمان قابل‌اغماض نیست.



البته عده‌ای از متکلمان و فلاسفه، که در بحث‌های اعتقادی عنایت بیشتری به متون دینی دارند، در آثار خود به آن پرداخته‌اند و از آن به‌عنوان دلیلی بر اصل وجود خداوند یا برهان بر بعضی از صفات الهی نام برده‌اند.

فلاسفه‌ای همچون کندي (252ق) و ابن رشد (595ق) و متکلمانی همچون ابوبکر باقلانی (م ۴۰۳ ق) ابو حامد غزالی (505ق) فخر رازی (604ق) (عضدالدین ایجی (756 ق) تفتازانی، عبدالرزاق لاهیجی و خواجه نصیرالدین طوسی از این دسته‌اند. در میان معاصران نیز شهید مطهری در مستدل و فلسفی کردن این برهان، استاد سبحانی در تنظیم تقریرهای متفاوت آن و استاد جوادی آملی در تبیین و نقد فلسفی آن تلاش شایسته‌ای انجام داده‌اند. (تراپ پور، ۱۳۸۴: ۵۵)

۲- سازمان‌دهی

راجع به سازمان‌دهی به‌عنوان یکی از وظایف اصلی مدیران در سازمان‌ها، در کتاب‌های مدیریت آثاری زیادی وجود دارد و دانشمندان علم مدیریت درباره آن بحث‌های زیادی از زوایای مختلفی انجام داده‌اند و آن را به‌عنوان یکی از وظایف مدیران شمرده‌اند که برای پرهیز از طولانی شدن بحث از آوردن پیشینه آن خودداری می‌شود اما راجع به این عنوان که سازمان‌دهی در علم کلام با استفاده از برهان نظم باشد، با تفحص و بررسی که انجام شد نگارنده اثر خاصی که این مطلب را بحث کرده باشد یا به نحوی از انحاء به این مطلب اشاره کرده باشد پیدا نکرد پس این تحقیق از این حیث یک تحقیق جدید و تازه‌ای است.

روش پژوهش

این تحقیق باهدف تبیین سازمان‌دهی در علم کلام با استفاده از برهان نظم انجام شده است و اینکه آیا می‌شود سازمان‌دهی به‌عنوان یکی از وظایف اصلی مدیران را از برهان نظم استفاده کرد یا نه؟ و با روش توصیفی تحلیلی به بیان مطالب پرداخته است و از کتاب‌های علم کلام و تفسیر، راجع به نظم و هماهنگی و سازمان‌دهی در عالم هستی استفاده شده است و از مقالات علمی پژوهشی نیز در زمینه‌ی سازمان‌دهی و تقسیم‌کار در عالم طبیعت بهره‌برداری شده است.

برهان نظم از منظر سه دانشمند معاصر اسلامی

از منظر دانشمندان علم کلام یکی از ادله خداشناسی برهان نظم است. در اینجا معنای نظم و تقریرات برهان نظم از منظر شهید مطهری و جوادی آملی و سبحانی بررسی می‌شود و از آن در سازمان‌دهی استفاده می‌شود زیرا نظم تنظیم و نظام به معنای سازمان‌دهی است.

۱- برهان نظم از دیدگاه شهید مطهری

مطهری پس از تبیین نظم فاعلی و نظم غایی، در جمع‌بندی نهایی از توضیحات خویش، تصریح می‌کند که نظم به کار گرفته شده در برهان نظم، نظم غایی است و نظم فاعلی نمی‌تواند خدا را اثبات کند: «معنی نظم که در باب خداشناسی به کار برده می‌شود، نظم ناشی از علت غایی است نه نظم ناشی از علت فاعلی. نظم ناشی از علت فاعلی جز این نیست که گفته می‌شود هر معلولی و هر اثری، مؤثری و فاعلی لازم دارد یک چیزی که قبل از آن، زمان یا رتبت، وجود داشته است و آن به وجود آورنده این معلول است قهراً اگر علت آن هم معلول علت دیگری باشد و آن علت هم باز معلول علت دیگری باشد و همین‌طور هر علتی معلول علت دیگر، خواه‌ناخواه یک نظمی در میان اشیاء به وجود می‌آید، یک نظم زنجیری. خود این نظم دلیل بر وجود خدا نخواهد بود. ولی ما نظم دیگری داریم که آن نظم ناشی از علت غایی است و آن نظم معنایش این است که وضعی در معلول وجود دارد که حکایت می‌کند که در ناحیه علت انتخاب وجود داشته است یعنی این علت که این معلول را به وجود آورده است، در یک وضع و حالی قرار داشته است که می‌توانسته است این معلول را به شکل دیگری به وجود آورد. پس ناچار در ناحیه علت باید شعور، ادراک و اراده وجود داشته باشد که هدف را بشناسد و این را که به وجود آورده است به‌عنوان وسیله برای آن هدف به وجود آورده باشد. اصل علت غایی درجایی ممکن است واقع شود که یا خود آن علتی که این معلول را به وجود آورده است دارای شعور و ادراک و اراده باشد یا آنکه اگر فرضاً خود فاعل دارای شعور و ادراک و اراده نیست، تحت تسخیر و تدبیر و اراده یک فاعلی بالاتری باشد که آن فاعل بالاتر، او را تدبیر می‌کند؛ و آن نظم که در عالم وجود دارد و دلیل بر وجود خداوند است این نظم غایی است.» (مطهری، ۱۳۸۷: ۷۲)



۲- برهان نظم از دیدگاه آیت الله جوادی آملی

ایشان در کتاب «تبیین براهین اثبات خدا» درباره برهان نظم فرموده است: «نظم گاهی در محدوده اجزای درونی بخشی از عالم در نظر گرفته می‌شود و گاهی در ارتباط با همه عناصر هستی و نتیجه که از برهان نظم گرفته می‌شود در همان محدوده خاص معتبر است.» ایشان تحت عنوان «برهان نظم برمدار هماهنگی در عناصر مختلف» این چنین فرموده است: «مراد از نظم بیشتر همان هماهنگی است که در افعال و رفتار عناصر و اعضای مختلف یک مجموعه در تحصیل غرضی واحد مشهود است و این غرض، به گونه‌ای است که در محدوده فعل و رفتار هیچ‌یک از عناصر و اعضا به تنهایی، قرار نمی‌گیرد، مانند نظم صناعی تعیین وقت و زمان به وساطت رفتار هماهنگی اجزای ساعت و یا حتی تأمین لذت و نشاط بینندگان در ترکیب رنگ‌هایی که در یک تابلو به نمایش گذارده شده‌اند» ایشان می‌فرماید که برهان نظم بر دو مقدمه استوار است: الف) عالم هستی دارای نظم و افعال هماهنگی است. ب) هر نظم و هماهنگی نیازمند به ناظم و هماهنگ‌کننده دارد. در نتیجه عالم هستی نیاز به ناظم دارد. (جوادی آملی، ۱۳۷۵: ۲۳۰-۲۳۱)

ایشان در جای دیگری می‌فرماید: نظم و هماهنگی گاهی در پیوند و ربط بین فعل و فاعل مشهود است به این معنا که سلسله حوادث به گونه‌ای یکنواخت تکرار می‌شود، مانند آتش که همواره آب را گرم می‌کند و این نوع نظم را نظم علی (فاعلی) نامیده‌اند و گاه در غایت واحدی که اعضای مختلف در جهت تحصیل آن سازمان می‌یابند یافت می‌گردد و این نوع نظم را نظم غایی نام گذارده‌اند. (جوادی آملی، ۱۳۷۵: ۲۲۷)

۳- برهان نظم از دیدگاه آیت الله سبحانی

عالم طبیعت تابع نظام معین و مشخصی است و هرچه را که شما در جهان و هستی مشاهده می‌کنید جدای از نظم و قوانین که علوم طبیعی برخی از آن‌ها را کشف کرده‌اند نیست و هرچه علوم پیشرفت می‌کند گام‌های بیشتری در شناخت هستی و نظم و قوانین جاری بر آن برداشته می‌شود و از طرف دیگر تمام قوانین و سنت‌های که در عالم هستی حکم‌فرما است، دارای علت است و تحقق شیئی بدون علت امر حال است. پس در نتیجه تمام عالم هستی که دارای نظم و قوانین خاصی است بدون علت به وجود نیامده‌اند و علتی باعث به وجود آمدنش شده است و از طرف سوم وجود اثر علاوه بر اینکه دلالت بر وجود مؤثر می‌کند مانند دلالت معلول بر وجود علتش و دلالت نشانه بر



وجود صاحب نشانه، دلالت بر خصوصیات مؤثر نیز می‌کند که عبارت از عقل، علم و شعور او باشد. پس خصوصیات نهفته شده در وجود معلول و اثر، کشف می‌کند از خصوصیات حاکم بر مؤثر و علت، پس قوانین و نظم که در این جهان حاکم است کشف از محاسبه دقیقی دارد که لازمه علم و شعور در علت استونمی تواند این قوانین و نظم دقیق صدف و بدون علت یا توسط امر مادی کور و کر به وجود آمده باشند. (سبحانی، ۱۴۱۱: ۳۴-۳۸)

تقریر دوم برهان نظم بر اساس انسجام جاری در عالم هستی

تقریر دوم آیت‌الله سبحانی از برهان نظم این است که: انسجام و هماهنگی جاری در عالم هستی و ارتباط و پیوستگی شگفت‌انگیزی در بین اجزای این عالم وجود دارد و با توجه به این انسجام و پیوستگی استدلال می‌شود که این نظام متصل، منسجم و هماهنگ، اثر عقل بزرگ و علم زیاد است.

ایشان می‌فرماید: که مباحث علمی از اتصال و ارتباط محکم و قوی در بین جمیع اجزاء عالم و تأثیر همه اجزا بر هم دیگر کشف کرده‌اند. حتی ردیف برگ‌های درختان که اثر وزش باد طوفانی در نقاط دور زمین از هم جدا نمی‌شوند و حتی ستاره‌های دور که فاصله آن‌ها به وسیله سال‌های نوری محاسبه می‌شوند، بر زندگی گیاهان، حیوانات و انسان تأثیر می‌گذارند و این انسجام قوی که جهان هستی را به صورت یک کارخانه بزرگ که بعضی از اجزاء آن، بعضی دیگری را کمک می‌کنند درآورده‌اند، بهترین دلیل بر دخالت عقل بزرگ در خلق و ایجاد این عالم هستی است. به عبارت دیگر، نظم و تعادل در جهان که بر طبیعت مسلط است، بارزترین شاهد مداخله عقل بزرگی در ظهور آن‌هاست. (سبحانی، ۱۴۱۱: ۴۳-۴۴)

سازمان‌دهی در علم کلام

بر اساس تعریف که از نظم در برهان نظم صورت گرفت و بر اساس تبیین برهان نظم که از منظر سه متفکر بزرگ اسلامی معاصر انجام شد، مخصوصاً آیت‌الله جوادی آملی و آیت‌الله سبحانی، نظم در عالم هستی که در علم کلام یکی از براهین وجود خداوند تبارک و تعالی شمرده می‌شود، همان سازمان‌دهی در سازمان و علم مدیریت است و اصلاً می‌توانیم ادعا کنیم که خاستگاه سازمان‌دهی، در علم کلام است زیرا از مهم‌ترین اصول سازمان‌دهی تقسیم‌کار و ایجاد هماهنگی



در میان واحدهای مختلف سازمان است تا سازمان به اهداف تعیین شده خود دست پیدا بکند و این دو اصل کاملاً در علم کلام و مخصوصاً در برهان نظم مورد توجه بسیاری از اندیشمندان علم کلام قرار دارند؛ یعنی برهان نظم در صورت اثبات کننده وجود خداوند است که اولاً همه اجزاء عالم هستی از تقسیم کار دقیق و حساب شده‌ای برخوردار باشند و ثانیاً در میان این اجزاء هماهنگی لازم وجود داشته باشد. کما اینکه تقسیم کار دقیق و زیبا در میان همه اجزاء عالم، هم در عالم آفاق و هم در عالم انفس حکم فرما است و تمام اجزای عالم با اینکه هر کدام کار مخصوص به خودش را انجام می دهند با هماهنگی و انسجام لازم به سمت هدف واحدی از پیش تعیین شده در حرکت اند.

نظم و سازمان دهی در عالم هستی

تکرار در نظم جهان هستی، آشنایی هر چه بیشتر با عظمت و قدرت پدیدآورنده آن است که ایمان انسان را قوی تر و راسخ تر می گرداند. زیرا کسی که جهان با این عظمت را منظم و دقیق می داند ایمانش نسبت به کسی که جهان را در قالبی کوچک ریخته و به نظم آن پی برده است بیشتر است. نیوتن دانشمند فلک شناس قرن اخیر می گوید: «کواکب دارای مدار و فاصله معینی هستند که اگر هر کدام از آن‌ها از مدار خارج شوند، جهان هستی از هم می پاشد» (مکارم شیرازی، ۱۳۹۳: ۵۷). برای پی بردن به چگونگی نظم در جهان طبیعت و سیستم کلان این عالم هستی، تنها راهی که به نظر می رسد، همان مطالعه و تفکر در موجودات مختلف عالم است. اگر ما به این آسمان نیلگون نگاه بکنیم می بینیم که خورشید می درخشد، ماه نور می دهد، ستارگان به صورت زیبا چشمک می زنند، طلوع و غروب خورشید و ماه، رفت و آمد منظم شب و روز، به وجود آمدن چهار فصل، کسوف و خسوف و... همه این‌ها حاکی از یک سازمان دهی دقیق و یک تقسیم کار زیبا و منظمی است که نمی تواند تصادفاً به وجود آمده باشند بلکه حاکی از یک ناظم حکیم و دارای فهم و شعور است که آن وجود خداوند سبحان است. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۳: ۵۸)

سازمان دهی در وجود انسان

در ساختمان بدن انسان دستگاه‌هایی وجود دارد که هر کدام مرکب از اعضای متعددی است و هر کدام کارهای را که اعمال حیاتی انسان به آن بستگی دارند انجام می دهند این دستگاه‌ها از نظر هدف و عمل و کاری که انجام می دهند به دودسته تقسیم می شود: دسته‌ای که عمل و نتیجه کار آن‌ها مربوط به تمام بدن است مانند دستگاه گوارش، دستگاه گردش خون، دستگاه تنفس یا دستگاه



ارتباطی سلسله اعصاب. سیستم کوچک بدن انسانی را در نظر بگیرید، فرض کنید که این بدن دارای صد جزء است که با صد کیفیت، تشکیل یافته است و هرکدام از این اجزاء با حساب دقیق، تنظیم شده و هرکدام به طور منظم، کار خود را انجام می دهند. آیا می توان این موجود منظم و هزاران موجود دیگر را که در سازمان خلقت به چشم می خورند به علل بدون شعور و اراده نسبت داد؟ انسان می داند که قلب و یا سایر اعضای او چگونه بانظم خاصی به انجام وظیفه خود مشغول هستند و از طرفی بفهمد که تمام موجودات عالم، مانند خود او دارای نظم و حساب اند و همه در ادامه و بقا و زندگی او تأثیر دارند که اگر به فرض محال گوشه ای از عالم، از حساب و برنامه خود خارج شود، زندگی برای او محال خواهد بود. (همان، ۵۵-۵۸). در سازمان دهی دو اصل بسیار مهم است:

الف) اصل تقسیم کار

برای دستیابی به اهداف سازمان، باید مأموریت اصلی آن ها به هدف های کوچک تر به طوری که مناسب واحدها و بخش های سازمان باشد خرد کرد. به این کار، تقسیم وظایف و کار میان واحدها و گروه ها و اعضای سازمان و هماهنگ سازی آنان برای نیل به هدف، سازمان دهی می گویند. (توکلی، ۱۳۸۵: ۹۱)

استونر، در این باره می گوید: سازمان دهی، فرایند تنظیم و تقسیم کارها، اختیارات و منابع سازمانی بین اعضا و ایجاد هماهنگی میان آن ها جهت رسیدن به اهداف سازمان است. (استونر، ۱۹۹۲: ۹). پس یکی از اصول سازمان دهی و مهم ترین آن ها اصل تقسیم کار و تفکیک وظایف میان افراد و واحدها است به گونه ای که فرد بجای انجام دادن همه کارها مسئول وظیفه یا وظایف معینی شود.

برهان نظم و تقسیم کار

انسان های خداپرست برای اثبات وجود آفریدگار جهان، دلایلی فراوانی را آورده اند. روشن ترین و قانع کننده ترین دلیل آن ها، برهان نظم، هست. چراکه عقل و وجدان را قانع و راضی می سازد. این برهان بر دو محور اساسی دور می زند:

الف) در سرتاسر جهان، آثار نظم و حساب و کتاب، قانون و هدف به چشم می خورد.



ب) هر دستگاه و مجموعه‌ای که در آن، آثار نظم، حساب و کتاب و قانون و هدف وجود داشته باشد نشان‌دهنده آن است که سازنده آن از عقل و علم برخوردار است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱: ۴۵)

نظم و تقسیم‌کار در عالم آفاق و سازمان بزرگ جهان هستی

در تمام نقاط جهان آفرینش و عالم آفاق، دستگاه‌ها و سازمان‌های منظم و مرتبی به چشم می‌خورد درحالی‌که برنامه و حساب و قانون، حتی بر کوچک‌ترین اجزای آن‌ها حکومت می‌کند. موجودات گوناگون جهان، مانند لشکری بزرگ که به گروه‌های مختلفی تقسیم شده‌اند، با صف‌های منظم و هماهنگی شگرف عجیبی، زیر نظر فرمانده واحدی و به سمت هدف مشخصی، حرکت می‌کنند. (همان‌طور که به هر گروه از افراد یک لشکری بزرگ، کارهای واگذار می‌شود و فرمانده این لشکر در میان این گروه‌های مختلف، تقسیم‌کار دقیق انجام می‌دهد و افراد و گروه‌های متشکل از این لشکر ضمن اینکه هرکدام کار مخصوص به خودش را انجام می‌دهند با هماهنگی لازم تحت هدایت فرمانده خود به سمت هدف واحدی در حرکت هستند.) در جهان آفرینش نیز این نظم و هماهنگی و تقسیم‌کار وجود دارد.

به عبارت دیگر جهان آفرینش، آشفته و مشوش (و بدون نظم و هماهنگی) نیست بلکه می‌بایست موجودات و حوادث در مسیر مشخصی حرکت کنند تا سرانجام به آن هدف نهایی برسند که دست تقدیر برای آن‌ها رقم‌زده است؛ یعنی یک نوع ارتباط و هماهنگی خاصی در بین تمام اجزا و موجودات عالم هستی دیده می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱: ۴۶). اتحاد و هماهنگی عمومی در بین تمامی موجودات عالم هستی به نحوی برقرار هست که گویی همه آن‌ها باهم متحد شده‌اند و در مسیر مشخصی، هدف واحد و معینی را تعقیب می‌کنند درحالی‌که (هرکدام کار مخصوص به خودش را انجام می‌دهند) کار هرکدام از آن موجودات، لازم و ملزوم یکدیگر است و در واقع کار یکی، مکمل کار و فعالیت دیگری است. مثلاً برای رشد یک گیاه، باید خورشید کار خودش را انجام بدهد و نور لازم را به این گیاه برساند از طرفی با تابش آفتاب، آب دریا به بخار تبدیل می‌شود و کار (باد) بردن این بخار به هر طرف و تبدیل به ابر است و کار ابر بارش برف و باران زیبا، طرب‌انگیز و فرح‌بخش است و گیاهان را رشد، بانشاط و طرب‌انگیز می‌سازد. از سوی دیگر زمین



باید به کار و وظیفه خود (تأمین مواد غذایی) عمل نماید تا در نهایت گیاه رشد کند و برای مدتی به حیات خود ادامه دهد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱: ۴۸)

این تقسیم‌کار دقیق، منظم و هماهنگی و انسجام لازم در عالم هستی حتی برای رشد یک گیاه حاکی از سازمان‌دهی بسیار دقیق و منظم در عالم هستی است حتی اگر یک جزء از اجزاء عالم هستی کار مخصوص و به خودش را انجام ندهد نظام عالم به هم می‌خورد و زندگی همه موجودات از جمله انسان‌ها مختل می‌شود و اگر در عالم طبیعت همیشه شب یا روز بود یا نور آفتاب ملایم نبود، شب از شدت سرما و روز از شدت گرما کسی نمی‌توانست زندگی بکند. پس بنابراین در عالم هستی نظم، هماهنگی و سازمان‌دهی بسیار دقیقی حکم‌فرما است و این نظم دقیق و سازمان‌دهی زیبا نمی‌تواند نتیجه اتفاق و تصادف باشد و می‌توان نتیجه گرفت که جهان دارای آفریدگاری دانا و توانا است که سازمان عظیمی را طبق نقشه و هدف خاصی ایجاد کرده و رهبری و هدایت می‌کند.

نظم و تقسیم‌کار در عالم انفس و سازمان کوچک بدن انسان

در ساختمان بدن انسان دستگاه‌هایی وجود دارد که هرکدام از اعضای گوناگونی تشکیل یافته و یک قسمت از اعمال حیاتی انسان را انجام می‌دهند. در اینجا به چند دستگاه اصلی بدن پرداخته می‌شود:

۱- دستگاه گوارش (آبدارخانه و آشپزخانه بدن)

دستگاه گوارش که از مهم‌ترین دستگاه‌های بدن انسان است، کارش تأمین نیازمندی‌های غذایی بدن هست. کار این دستگاه در زندگی انسان به قدری مهم است که با تعطیل شدن آن در شرایط عادی، ادامه حیات انسان امکان‌پذیر نخواهد بود. این دستگاه از تعدادی اعضا و کارگاه‌های فرعی تشکیل شده که با یک نظم و هماهنگی بی‌نظیری، مواد غذایی را از خارج بدن دریافت داشته و آن‌ها را در اثر فعالیت‌های مداوم شبانه‌روزی، به صورتی درمی‌آورد که قابل ورود به خون و تغذیه سلول‌ها باشد. از طرف دیگر تمام مواد غذایی به درد بدن نمی‌خورد، بنابراین برای اینکه مواد غذایی بتواند جایگزین انرژی و مواد مصرف‌شده بدن شوند باید قسمت‌های موردنیاز، تجزیه‌شده و به‌صورت کاملاً مناسبی درآیند و قسمت‌های زائد باید دفع گردد. پس دستگاه گوارش کار جذب و دفع مواد غذایی را بر عهده دارد و برای این کار باید غذا در محوطه دهان گذاشته شود و به‌وسیله



دندان‌ها بریده، دریده و خرد گردد و با ترشح چشمه‌های بزاقی کار دندان‌ها راحت انجام می‌گیرد و زبان هم هدایت این کار را بر عهده دارد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱: ۱۲۶)

۲- دستگاه گردش خون

یکی دیگر از دستگاه‌های بزرگ بدن، دستگاه گردش خون هست که کارش این است که همیشه مایعی به نام خون را در تمام بدن انسان به گردش درمی‌آورد. دستگاه گردش خون به خاطر نظم عجیب، دقت و ظرافت فوق‌العاده‌ای که دارد بسیار قابل توجه است. مرکز این دستگاه گردش خون، عضوی است به نام «قلب» پس از اینکه خون پاکیزه و تصفیه‌شده در اثر حرکت‌های مخصوص حفره‌های فوقانی، به وسیله سیاهرگ‌های شش، وارد دهلیز چپ می‌شود حفره چپ به وسیله انقباض و باز و بسته شدن دریچه، خون محتوی خود را مستقیماً به حفره پایین خالی می‌کند و بطن چپ نیز به وسیله انقباض شدید، خون را به وسیله لوله بزرگی به نام «سرخرگ» با فشار تمام به داخل شریان‌ها و مویرگ‌های بدن می‌فرستد و به این وسیله خون در لوله‌های پرپیچ‌وخم و باریک بدن به راه افتاده و عادلانه در تمام قسمت‌های بدن تقسیم می‌گردد. (همان، ۱۳۶-۱۳۹)

۳- دستگاه تنفس (پالایش بدن)

یکی از دستگاه‌های بسیار مهم بدن و به نوبه خود فوق‌العاده جالب و دارای موقعیت بسیار حساس دستگاه تنفس هست. این دستگاه در ادامه زندگی انسان سهم بسزایی دارد، به طوری که اگر بیش از ۵ دقیقه تعطیل شود، انسان دچار خفگی شده و در اشخاص عادی دچار مرگ او می‌گردد. مهم‌ترین کار این دستگاه در بدن انسان تصفیه و دفع مواد سمی خون از بدن است. دستگاه تنفس با دستگاه خون همکاری دقیق، منظم و شگفت‌آوری دارد زیرا عامل اصلی تصفیه خون که همان جگرسفید، شش یا ریه است در دیواره آن مویرگ‌های زیادی پخش شده که همه از دو سرخرگ شش منشعب گردیده‌اند این مویرگ‌ها که در کیسه‌های هوایی شش‌ها موجود می‌باشند و هنگامی که در اثر تنفس، هوا وارد کیسه‌های مزبور می‌گردد، مبادله میان خون و هوا صورت می‌گیرد، یعنی مواد حیاتی هوا از دیواره کیسه‌های هوایی نفوذ کرده وارد خون می‌شود سموم خون وارد حفره‌ها گردیده و به وسیله بازدم از راه حلق و بینی به خارج فرستاده می‌شود بدین وسیله با هر دم و بازدم مقداری خون در مویرگ‌ها تصفیه‌شده و به وسیله سیاهرگ‌های شش به قلب بازمی‌گردد. (همان ۱۴۷-۱۵۰)

۴- دستگاه اعصاب و فرمانده بدن

این دستگاه به یک معنی مهم‌ترین عضو بدن انسان است، زیرا «حرکت و حس» که دو رکن اساسی زندگی می‌باشند با این دستگاه تأمین شده و ارتباط با جهان خارج و محیط زندگی، به وسیله آن صورت می‌گیرد. همچنین حرکات غیرارادی سایر دستگاه‌های مختلف بدن به این دستگاه وابسته است.

به طور کلی احساس، حرکت‌های ارادی و غیرارادی بدن و نظم موجود در بین آن‌ها مربوط به سلسله اعصاب «مغز» است، به گونه‌ای که اگر از کار بیفتد، انسان در یک لحظه از حس و حرکت بازمی‌ماند و حرکت تمام دستگاه‌های بدن متوقف و مختل می‌گردد. (همان ۱۵۴). پس این تقسیم‌کار دقیق و این انسجام و هماهنگی در سازمان کوچک بدن انسان و این نظم و هماهنگی در میان دستگاه‌های اصلی بدن که هر کدام در عین حال که کار مخصوص به خودش را انجام می‌دهند و با یک نظم و انسجام و هماهنگی به سمت هدف واحدی در حرکت هستند، حاکی از وجود یک منبع علم و قدرت و یک آفریننده دانا و توانای جهان هستی است. پس به وسیله برهان نظم یکی از اصول اساسی سازمان‌دهی که همان تقسیم‌کار باشد هم در سازمان بزرگ جهان هستی و عالم طبیعت و هم در سازمان کوچک بدن انسان همان طوری که بیان شد کاملاً قابل استفاده و هویدا و آشکار است که هیچ صاحب عقل و شعوری نمی‌تواند آن را انکار کند؛ زیرا سازمان‌دهی دقیق و نظم موجود در عالم آفرینش و جهان هستی اگر مختل بشود نظام جهان هستی به هم می‌خورد و همین‌طور دستگاه‌های اصلی بدن که کار آن‌ها مربوط به تمام بدن است اگر یکی از آن‌ها کاری مخصوص به خودش را انجام ندهند و یا با سایر دستگاه‌های موجود در بدن ارتباط و هماهنگی نداشته باشند زندگی انسان مختل می‌شود و انسان نمی‌تواند به حیات خود ادامه بدهد.

ب) اصل هماهنگی

با طراحی واحدهای سازمانی و تعیین اداره‌ها و بخش‌های داخلی، کارهای سازمان میان واحدهای اصلی تقسیم می‌شود و امکان استاندارد کردن کارها و تخصصی کردن فعالیت کارکنان فراهم می‌گردد ولی موفقیت سازمان در تحقق اهدافش، مستلزم هماهنگ ساختن فعالیت‌های کارکنان است. در واقع بدون هماهنگی، احتمال بروز تأخیر و اتلاف وقت در انجام فعالیت‌ها افزایش می‌یابد و ممکن است سازمان با عجز و ناکامی مواجه شود. (رضائیان، ۱۳۹۰: ۳۶۳)



هماهنگی فرا گردی است که طی آن، همه بخش‌های تشکیل دهنده یک کل برای کسب هدف مشترک ترکیب می‌شوند. هماهنگی با مجموعه‌ای از ساز کارهای ساختاری و رفتاری تحقق می‌یابد که برای مرتبط ساختن اجزای سازمان با یکدیگر به کار می‌روند و نیل به اهداف سازمانی را تسهیل می‌کنند. یا در تعریف دیگری «هماهنگی عبارت است از فرایند یکپارچه کردن فعالیت‌ها و هدف‌های همه واحدهای سازمانی تا به صورت مؤثر هدف‌های سازمان تحقق پیدا کند.» (استونر، ۱۳۷۵: ۶۸۵)

هماهنگی در عالم هستی

ما به هنگام برخورد به مظاهر نظم در جهان هستی از یک سو و هماهنگی و وحدت عمل این دستگاه‌های منظم از سوی دیگر، متوجه مبدأ علم و قدرت یگانه و یکتایی می‌شویم که این جهان را آفریده است.

مثلاً چشم انسان را که دارای پرده‌های هفتگانه است، با ساختمان ویژه و ظریفش وقتی بررسی می‌کنیم می‌دانیم که طبیعت بی‌شعور و کور و کر محال است بتواند مبدأ چنین اثر بدیعی باشد، سپس هنگامی که همکاری و هماهنگی این پرده‌های هفتگانه را با یکدیگر و هماهنگی مجموع چشم را با کل بدن انسان و هماهنگی یک انسان را با سایر انسان‌ها و هماهنگی کل جامعه انسانیت را با مجموعه نظام هستی در نظر می‌گیریم می‌دانیم که همه این‌ها از یکجا سرچشمه گرفته است و آن ذات پاک خداوند تبارک و تعالی است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۵۵۸)

اگر ما اندکی درباره گیاهان و جاندارانی که در هر منطقه‌ای زندگی می‌کنند، اعم از پرندگان، حیوانات دریایی، حشرات، خزندگان دقت کنیم خواهیم دید که هر کدام هماهنگی کامل با محیط خود دارند و آنچه مورد نیازشان است در اختیارشان هست. ساختمان بدن پرندگان آن‌چنان است که از نظر شکل و وزن و حواس مختلف، آن‌ها را برای پرواز آماده می‌کند و ساختمان جانوران اعماق دریاها نیز همین‌گونه است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۱۹)

از این نظم و هماهنگی موجود در نظام هستی ما می‌توانیم دو مطلب را در سازمان‌های اجتماعی امروزی استفاده کنیم: مطلب اول اینکه مدیران سازمان‌ها برای رسیدن به اهداف سازمان باید میان اعضا و واحدهای سازمانی نظم و هماهنگی به وجود آورند. دوم برای به دست آوردن

مزیت رقابتی در سازمان و اینکه سازمان‌ها بتوانند در محیط پرتلاطم امروزی به حیاتشان ادامه بدهند باید خودشان را بر محیط وفق بدهند و با محیط، خوشان را هماهنگ کنند و به خواسته‌ها و نیازهای موجود در محیط کاملاً توجه داشته باشند. همان‌گونه که هماهنگی با محیط در میان گیاهان و جانداران که در هر منطقه زندگی می‌کنند وجود دارند.

هماهنگی در عالم هستی از منظر قرآن کریم

در قرآن کریم آیات فراوانی وجود دارد که دلالت بر اصل هماهنگی و نظم موجود در عالم هستی دارد: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالاخْتِلافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَع النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ؛ در آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمد و شد شب و روز و کشتی‌هایی که در دریا به سود مردم در حرکتند و آبی که خداوند از آسمان نازل کرده و با آن، زمین را پس از مرگ، زنده نموده و انواع جنبنندگان را در آن گسترده و (همچنین) در تغییر مسیر بادهای ابرهایی که میان زمین و آسمان مسخرند، نشانه‌هایی است (از ذات پاک خدا و یگانگی او) برای مردمی که عقل دارند و می‌اندیشند» (بقره، آیه ۱۶۴)

آیت‌الله مکارم شیرازی در تفسیر نمونه در ذیل این آیه می‌گوید که در این آیه شش بخش از آثار نظم در جهان هستی وجود دارد که هرکدام از آن‌ها حاکی از ذات پاک پروردگار عالم است:

۱- در آفرینش آسمان‌ها و زمین (إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ). در آفرینش آسمان‌ها و این همه کرات عالم بالا یعنی میلیون‌ها میلیون آفتاب درخشان و هزاران هزار ستارگان ثابت و سیار که در یک‌شب تاریک و پرستاره با چشمک زدن‌های پرمعنی خود با ما سخن می‌گویند و با آن نظام دقیق و عجیب خود و همچنین آفرینش زمین با انواع مظاهر حیات و زندگی که در چهره‌های بسیار متنوع و در لباس صدها هزار نوع گیاه و حیوان، جلوه‌گر شده، همه نشانه‌های ذات پاک او و آینه‌های درخشان قدرت و علم و یگانگی او هستند.

۲- و نیز درآمد و شد شب و روز (وَالاخْتِلافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ). آری این دگرگونی لیل و نهار و این آمدورفت روشنایی و تاریکی با آن نظم (و هماهنگی) خاص و تدریجش که دائماً از یکی کاسته و



بر دیگری افزوده می‌شود و به کمک آن فصول چهارگانه به وجود می‌آید و درختان و گیاهان و موجودات زنده مراحل تکاملی خود را در پرتو این تغییرات تدریجی، گام‌به‌گام طی می‌کنند.

اگر این تغییر تدریجی نبود و یا این تغییرات همراه با هماهنگی نبود و توام با هرج و مرج صورت می‌گرفت و یا املاً همیشه روز و یا همیشه شب بود، حیات و زندگی از صفحه کره زمین به کلی برچیده می‌شد و اگر فرضاً وجود داشت دائماً دچار آشفستگی و نابسامانی بود.

۳- و کشتی‌هایی که در دریاها به سود مردم به حرکت درمی‌آیند. (وَ الْفُلُكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَع النَّاسَ).

آری انسان به وسیله کشتی‌های بزرگ و کوچک، صحنه اقیانوس‌ها را درمی‌نوردد و به این وسیله به نقاط مختلف زمین، برای انجام مقاصد خود سفر می‌کند، این حرکت مخصوصاً با کشتی‌های بادبانی، معلول چند نظام است:

نخست بادهای منظمی که در سطح اقیانوس‌ها می‌وزد (اعم از وزش‌های سراسر که به‌طور مداوم از قطب شمال و جنوب زمین به‌سوی خط استوار و از خط استوار به‌سوی قطب شمال و جنوب در حرکتند) و یا وزش‌های منطقه‌ای که تحت برنامه‌های معینی حرکت می‌کنند و به کشتی‌ها امکان می‌دهند، از این نیروی فراوان و رایگان طبیعی بهره‌گیرند و به‌سوی مقصد پیش روند؛ و یا نظام ستارگان آسمان که راه مقصد را به انسان نشان می‌دهند، آری تا همه این نظام‌ها دست‌به‌دست هم ندهند، استفاده از کشتی‌ها با آن فواید سرشارشان امکان‌پذیر نیست.

۴- و آبی که خداوند از آسمان فرو فرستاده و به‌وسیله آن، زمین‌های مرده را زنده کرده و انواع جنبندگان را در آن گسترده است. (وَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَ بَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ). آری دانه‌های حیات‌بخش باران و قطرات پرتراوت و بابرکت این آب تصفیه‌شده طبیعی به هر جا می‌ریزد، زندگی و حیات می‌پاشد و حرکت و برکت و آبادی و نعمت، همراه خود می‌آورد، این آب که با نظام خاصی ریزش می‌کند و آن‌همه موجودات و جنبندگانی که از این مایع بی‌جان، جان می‌گیرند همه پیام‌آور قدرت و عظمت او هستند.

۵- و حرکت دادن و وزش منظم بادهای (وَ تَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ). که نه تنها بر دریاها می‌وزند و کشتی‌ها را حرکت می‌دهند، بلکه سطح خشکی‌ها، کوه‌ها و دره‌ها و جلگه‌ها را جولانگاه خود قرار داده‌اند، گاهی گرده‌های نر را بر قسمت‌های ماده گیاهان می‌افشانند و به تلقیح و باروری آن‌ها کمک

می‌کنند میوه‌ها به ما هدیه می‌کنند و بذره‌های گوناگون را می‌گسترانند. زمانی با حرکت دادن امواج اقیانوس‌ها، آن‌ها را به‌طور مداوم به هم می‌آمیزند تا محیط آماده‌ای برای زیست موجودات زنده دریا فراهم گردد و گاه با انتقال دادن گرمای مناطق گرمسیر به مناطق سردسیر و انتقال سرمای مناطق سردسیر به مناطق گرمسیر، کمک به تعدیل هوای کره زمین می‌کنند و زمانی با جابجا کردن هوای مسموم و فاقد اکسیژن شهرها به بیابان‌ها و جنگل‌ها، وسایل تصفیه و تهویه را برای بشر فراهم می‌سازند.

۶- و ابرهایی که در میان زمین و آسمان معلق‌اند (وَ السَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ). این ابرهای متراکم که بالای سرما در گردش‌اند و میلیاردها تن آب را برخلاف قانون جاذبه در میان زمین و آسمان، معلق نگاه داشته و آن‌ها را از هر نقطه‌به‌نقطه دیگر می‌برند، بی‌آنکه کمترین خطری ایجاد کنند، بعلاوه اگر آبیاری (منصب آبدهی این ابرها) نبود در سرتاسر خشکی‌های روی زمین نه قطره آبی برای نوشیدن وجود داشت و نه چشمه و جویباری برای روئیدن گیاه، همه‌جا ویرانه بود و کویر بود و بر همه‌جا خاک مرده پاشیده می‌شد، این جلوه از علم و قدرت او است. آری همه این‌ها نشانه‌ها و علامات ذات پاک او هستند اما برای مردمی که عقل و هوش دارند و می‌اندیشند (لآیاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ). نه برای بی‌خبران سبک‌مغز و چشم‌داران بی‌بصیرت و گوشداران کر. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۵۵۸-۵۶۲)

تحلیل و بررسی هماهنگی در عالم هستی از منظر قرآن

از این آیه شریفه قرآن کریم استفاده می‌شود که چه نظم و انسجام و هماهنگی در این عالم هستی حکم‌فرما است و اگر این انسجام و هماهنگی میان این موارد شش‌گانه‌ای که در این آیه ذکر شده وجود نداشت نظام عالم هستی به هم می‌خورد؛ اما این نظم و هماهنگی که در عالم آفرینش در این موارد شش‌گانه مشاهده می‌شود ما را متوجه سازنده آن‌که خدای واحد و یگانه است می‌کند. پس یکی از اصول سازمان‌دهی هماهنگی میان فعالیت‌ها و واحدهای سازمانی و همچنین میان افراد سازمانی برای دستیابی به اهداف سازمان است و این اصل هماهنگی و انسجام و نظم دقیق در عالم آفرینش و نظام هستی کاملاً از آیه ۱۶۴ سوره بقره قابل‌استفاده است و برهان نظم بر آن دلالت دارد. پس ما می‌توانیم از این سازمان‌دهی و نظم دقیقی که در علم کلام وجود دارد و این



هماهنگی و انسجام که در میان همه اجزای عالم هستی برقرار است و با برهان نظم قابل اثبات است، سازمان‌دهی در علم مدیریت و سازمان‌های اجتماعی را استفاده کنیم و بگوییم که هماهنگی و انسجام در میان همه افراد و واحدهای سازمان به‌عنوان یکی از اصول سازمان‌دهی برای دستیابی به اهداف سازمان لازم و ضروری است.

به‌عبارت‌دیگر اگر میان هدف‌های سازمان، مدیر و کارکنان سازمان هماهنگی وجود نداشته باشد سازمان به اهداف خود نخواهد رسید و در درازمدت از هم متلاشی می‌شود و نمی‌تواند به حیات خود ادامه بدهد؛ زیرا هر فرد یا گروهی تنها هدف خود را می‌جوید این کار منجر به ازهم‌گسیختگی کارها و سرانجام متلاشی شدن سازمان می‌شود، در صورت سازمان موفق خواهد شد که این اهداف در یک‌جهت و در یک راستا و پیوستار قرار بگیرد که این کار با ایجاد هماهنگی و انسجام میان افراد و واحدهای سازمان امکان‌پذیر است. پس هماهنگی عنصری است که به‌وسیله آن فعالیت‌های گوناگون سازمان همسو و همراه، در مسیر تحقیق اهداف سازمان تنظیم می‌گردد و یا هماهنگی به معنای مجموعه‌ای از مکانیزم‌های ساختاری و انسانی است که برای مرتبط ساختن اجزای هر سازمان با یکدیگر و تسهیل نیل به هدف سازمان طرح می‌شود» (رضائیان، ۱۳۶۹: ۱۶۲) همان‌طوری که این نظم و هماهنگی و انسجام در عالم آفرینش و جهان هستی حکم‌فرما است که نبود آن باعث به هم خوردن نظام عالم هستی می‌شود.

نتیجه‌گیری

بر اساس برهان نظم هنگامی که موجودات و دستگاه‌های مختلف جهان پهناور هستی را مورد مطالعه قرار می‌دهیم در می‌یابیم که آن‌ها نه تنها درهم‌وبرهم نیستند، بلکه در تمام گوشه و کنار جهان هستی از موجودات بی‌نهایت ریز گرفته تا کهکشان‌ها و آسمان‌هایی بی‌نهایت وسیع، یک نظم و حساب و کتاب دقیقی حکم‌فرما است و سراسر جهان تحت قوانین معینی اداره می‌شود و در میان این دستگاه‌ها و پدیده‌های جهان هستی، همکاری و هماهنگی حیرت‌انگیزی برقرار است و هر موجودی در مسیر معین و به‌سوی هدف مشخصی به‌پیش می‌رود. هر دستگاه و پدیده‌ای که دارای نظم و همکاری و هماهنگی باشد نمی‌تواند معلول تصادف و علل فاقد شعور باشد بلکه نظم همیشه از یک منبع علم، عقل، شعور، هدف و قدرت حکایت می‌کند.





پس تمام موجودات و دستگاه‌های بزرگ و کوچک جهان، معلول یک مبدأ بزرگ علم و قدرت است که از روی هدف و اراده مشخصی، چرخ‌های عظیم آفرینش را به گردش درآورده است و در پشت این دستگاه عظیم و حیرت‌آور، خدای دانا و توانای وجود دارد که سرچشمه هستی جهان و پدیدآورنده آن و نظم‌دهنده تمام قوانین جهان است.

پس جهان آفرینش از یک نظم و سازمان‌دهی دقیقی برخوردار است و هر موجود و پدیده‌ای برای هدف و کاری مشخصی آفریده شده است تا کار خود را با هماهنگی و همکاری با سایر موجودات و اجزای عالم، به نحوی احسن در این نظام عظیم خلقت انجام بدهد و به سوی هدف از پیش تعیین شده به پیش برود. از نظم و سازمان‌دهی حاکم در جهان آفرینش، بر اساس برهان نظم دو مطلب کاملاً روشن و قابل استفاده است و این دو مطلب از اصول اساسی سازمان‌دهی در علم مدیریت است:

الف) تقسیم‌کار میان اعضای سازمان که یکی از اصول اساسی سازمان‌دهی است زیرا سازمان‌دهی فرایند تقسیم‌کار میان اعضای سازمان است. حالا اگرچه برای سازمان‌دهی و تقسیم‌کار و ایجاد واحدهای سازمانی مانند اداره‌ها و بخش‌های یک سازمان، مبانی مختلف در علم مدیریت وجود دارد مانند سازمان‌دهی بر اساس تعداد افراد شاغل در یک سازمان، سازمان‌دهی بر اساس زمان کار، سازمان‌دهی بر اساس وظیفه و کار، سازمان‌دهی بر اساس محصول، سازمان‌دهی بر اساس منطقه جغرافیایی و سازمان‌دهی بر اساس ارباب‌رجوع.

اما اصل تقسیم‌کار که از اصول سازمان‌دهی است چه در جهان بزرگ آفرینش و عالم هستی و چه در وجود انسان کاملاً از برهان نظم استفاده می‌شود.

ب) هماهنگی و همکاری، تقسیم‌کار در صورت و مفید است که میان اعضای و واحدهای سازمان هماهنگی و همکاری وجود داشته باشد؛ زیرا بدون همکاری و هماهنگی هر فرد یا گروهی تنها به دنبال هدف خود است و این کار منجر به ازهم‌گسیختگی کارها و سرانجام متلاشی شدن سازمان می‌شود پس علاوه بر تقسیم‌کار میان افراد و واحدها، لازم است میان آن‌ها هماهنگی بایسته حاکم باشد؛ که هماهنگی عنصری است که به وسیله آن فعالیت‌های گوناگون سازمان همسو و همراه می‌گردد.



پس تقسیم‌کار میان افراد و واحدهای سازمان به تنهایی نمی‌تواند مفید باشد بلکه آنگاه می‌تواند کارایی لازم را داشته باشد که در کنار تقسیم‌کار هماهنگی نیز میان افراد سازمان وجود داشته باشد؛ و این هماهنگی و همکاری در جهان آفرینش و عالم طبیعت کاملاً از برهان نظم استفاده می‌شود زیرا بدون نظم و هماهنگی لازم در عالم، نظام جهان به هم می‌خورد و قرآن کریم هم در آیه ۱۶۴ سوره بقره این نظم، انسجام و هماهنگی را در عالم آفرینش و در خلقت زمین و آسمان‌ها و آمد و شد شب و روز و... کاملاً تأیید می‌کند.



فهرست منابع

۱. ابن منظور، ابوالفضل، جمال‌الدین، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ هـ ق)، لسان العرب، ۱۵ جلدی، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، بیروت - لبنان، سوم.
۲. استونر، جمیز و ادوارد، فریمن (۱۳۷۵)، مدیریت، ترجمه محمدعلی اعرابی و علی پارسائیان، تهران، شرکت نشر و چاپ بازرگانی، چاپ اول.
۳. باربور، ایان (۱۳۷۹)، علم و دین، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ سوم.
۴. تراب پور، مهدی (۱۳۸۴)، برهان نظم، مجله معرفت، شماره ۹۹.
۵. توکلی، عبدالله (۱۳۸۵)، اصول و مبانی مدیریت، قم، انتشارات زمزم هدایت، چاپ سوم.
۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۵)، تبیین براهین اثبات خدا، قم مرکز نشر اسراء، چاپ اول.
۷. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح (۱۴۱۰ هـ ق)، تاج اللغة و صحاح العربیة، ۶ جلدی، دار العلم للملایین، بیروت - لبنان، اول.
۸. رضائیان، علی (۱۳۹۰)، مبانی سازمان و مدیریت، تهران، انتشارات سمت، چاپ چهاردهم.
۹. سبحانی، جعفر (۱۴۱۱)، الالهیات علی هدی الکتاب و السنه و العقل، قم، مرکز العالمی للدراسات الاسلامیة چاپ سوم.
۱۰. السبحانی، جعفر (۱۴۰۵ هـ ق)، الله خالق الکون، قم، المطبعة سیدالشهداء. و جعفر سبحانی، مدخل مسائل جدید در علم کلام، قم: مؤسسه امام صادق.
۱۱. محسن غرویان (۱۳۷۲)، سیری در ادله اثبات وجود خدا، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۲. مطهری، مرتضی (۱۳۸۷)، توحید، تهران، انتشارات صدرا، چاپ هفتم.
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر، با همکاری جمعی از فضلاء (۱۳۸۱)، آفریدگار جهان، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع) چاپ دوم.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر، با همکاری جمعی از فضلاء (۱۳۹۳)، آفریدگار جهان، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع) چاپ پنجم.





۱۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، دار الکتب الإسلامیة - ایران - تهران، چاپ
دهم، ه.ش.

۱۶. واثق، قادر علی (۱۳۹۳)، بررسی اصول حاکم بر سازمان‌دهی از منظر قرآن کریم، قم،
موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

۱۷. واسطی، زبیدی، حنفی، محب‌الدین، سید محمد مرتضی حسینی (۱۴۱۴ه ق)، تاج العروس
من جواهر القاموس، ۲۰ جلدی، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت - لبنان، اول.

18. Games A. F. stoner, & R Edward, Freeman, Management, 1992,
Prentice- Hall, P 9